

***The role of narrators and writers in the emergence of hadith differences (with an emphasis on Ayatollah Sistani's innovations)***

**Abir Alavi<sup>۱</sup>, Saeid Mansouri,<sup>۲</sup> Mohamadali Ayazi<sup>۳</sup>, Mojtaba Mirdamadi<sup>۴</sup>**

Received: ۲۰۲۲/۱۱/۲۲

Accepted: ۲۰۲۳/۰۳/۱۰

**Abstract**

*"Differences in hadiths" and "factors of its creation" are among the issues in hadith research, which neglecting them leads to distrust in hadith and abandoning it. Therefore, scholars seek to find a solution to this conflict by examining the causes. Part of the difference of the hadith occurred in the stage of its transmission to the next stages, and the narrators of the hadith played a role in it. The present research examines the role of narrators from the Prophet's era to the end of the Imams' era, emphasizing the opinions of Ayatollah Sistani, and deals with hadith differences. He has found unreal differences caused by narrators and writers and factors such as intentionality and negligence, and he has investigated these factors without paying attention to Rjali's analysis. The study of his works showed that the actions of the narrators and writers, which cause differences in hadith, are divided into three types: intentional, unintentional, and a combination of intentional and unintentional.*

**Key words:** *Narrators, Writers, Conflict, Differences in hadith, Seyyed Ali Sistani*

---

<sup>۱</sup> PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran  
abiralavi@yahoo.com

<sup>۲</sup> Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.  
Dr.mansouri\_۲۲@gmail.com (corresponding Author)

<sup>۳</sup> Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran.  
ayazi\_۱۲۲۲@gmail.com

<sup>۴</sup> Assistant Professor, Faculty of Islamic Education and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran.  
mirdamadi\_۲۲@ut.ac.ir

## نقش راویان و ناسخان در پیدایش اختلاف حدیث (با تأکید بر نوآوری‌های آیت‌الله سیستانی)

عبیر علوی<sup>۱</sup>، سعید منصوری<sup>۲</sup>، سید محمدعلی ایازی<sup>۳</sup>، سید مجتبی میردامادی<sup>۴</sup>

### چکیده

«اختلاف حدیث» و «عوامل بوجودآورنده‌ی آن»، از جمله مسائل حدیث پژوهی است که بی‌اعتنایی به آن، منجر به عدم وثوق به حدیث و کنار گذاشتن آن می‌گردد؛ براین اساس، دانشمندان و حدیث پژوهان به دلیل تأثیر شناخت اسباب اختلاف حدیث در چگونگی رفع تعارض آن، با بررسی این اسباب می‌کوشند راهکارهای برون رفت از تعارض را بیابند. بخشی از اختلاف حدیث، در مرحله‌ی نقل و وصول به طبقات بعدی رخ داده است و در ایجاد آن ناسخان و راویان حدیث نقش داشته‌اند. پژوهش حاضر، موضوع اختلاف حدیث را با رویکرد بررسی نقش راویان از عصر پیامبر تا پایان دوره امامان با تأکید بر آرای آیت‌الله سیستانی مورد واکاوی قرار می‌دهد. ایشان پاره‌ای از اختلافات غیر واقعی را از ناحیه‌ی ناقلان و ناسخان و ناشی از عواملی نظیر: عمد و تساهل یافته و فارغ از تحلیل رجالی به بررسی این عوامل پرداخته است. از مطالعه آثار ایشان برمی‌آید عملکردهای ناسخان و راویان که منجر به اختلاف حدیث شده به سه گونه: عامدانه، غیرعامدانه و مشترک بین حالت عمد و غیرعمد قابل تقسیم است.

### واژگان کلیدی:

راویان، ناسخان، تعارض، اختلاف حدیث، سید علی سیستانی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. abiralavi@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. Dr.mansouri63@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. ayazi1333@gmail.com

<sup>۴</sup> استادیار، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mirdamadi\_77@ut.ac.ir

## ۱. مقدمه

یکی از اسباب و گونه‌های پیدایش اختلاف حدیث، تغییرات صورت یافته در آن از سوی روات، ناقلان و ناسخان است؛ آفتی که از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز و تا دوره معاصر نیز دامن احادیث را فرا گرفته است. دروغ‌پردازان و حدیث‌تراشان، گاه تعمدی و گاه غیرتعمدی با جعل، نقصان یا زیادت در منقولات، موجب تغییر در مدلول و مفهوم متن روایت و غیر آن شده‌اند. رخداد جعل عامدانه حدیث، معلول وجود حدیث‌تراشان متعمد است ولی احادیث تحریف شده توسط راویان و ناسخان گرچه نه از سر قصد جعل، خود عنصری تأثیرگذار در پیدایش حدیث مختلف است؛ لذا شناخت انگیزه‌ها و انحای جعل و وضع، خود معیاری جهت بازشناسی و تمایز بین مضمون احادیث جعلی و غیر جعلی به حساب می‌آید.

از دیرباز در مقابل کوشش‌های صورت گرفته در زمینه‌ی جعل و دس و دیگر عوامل منتهی‌شونده به «اختلاف حدیث»، یکی از تلاش‌های حدیثی عالمان دین، معطوف به این حوزه و یکی از دانش‌های مورد توجه ایشان، «اختلاف حدیث» و «تعارض ادله» بوده است. کم‌این‌که این دو مقوله یکی از چالش‌های اصلی ایشان در ارتباط با حدیث و بهره‌گیری صحیح از آن نیز به حساب می‌آید. البته پرداختن به این دانش، تنها منحصر در حوزه‌ی حدیث پژوهی نبوده و دیگر عالمان به‌ویژه اصولیان درباره‌ی آن به تحقیق و تفحص پرداخته‌اند؛ زیرا احادیث متعارض صرفاً چالشی مقابل محدثان نبوده و دیگر علوم از جمله فقه، کلام، تفسیر و حتی اخلاق نیز با آن مواجه بوده‌اند. دانشمندان دوره‌های اخیر و از جمله معاصران نیز به اهمیت خاص آن عنایت داشته و به شناخت اسباب اختلاف حدیث و یافتن راهکارهای نو و جدید رفع آن از این طریق همت گماشته‌اند.

همانطور که گذشت برای رفع اختلاف حدیث و تعارض ادله، همواره شناخت اسباب آن مورد عنایت عالمان دینی بوده است؛ چه این‌که بدون شناخت سبب، رفع مسبب امکان‌پذیر نیست. در میان این اسباب، به سببی غیر واقعی اما پر بسآمد برخورد می‌کنیم که آن نقش راویان و ناسخان حدیث است. راویان و ناسخان گرچه از لحاظ کمی در بیشتر نقش‌آفرینی خود در این باب، قصد سوئی نداشته‌اند اما به هر حال نقش غیر قابل انکاری در پیدایش اختلافی این‌چنین ایفا کرده‌اند. همان گونه که اصل موضوع اختلاف حدیث، مورد توجه عالمان حوزه‌های مرتبط با حدیث بوده، توجه به نقش راویان در این باره نیز به عنوان یکی از عوامل ایجاد کننده آن قابل مشاهده و پیگیری است.

نگاهی گذرا بر آثار حدیثی و اصولی عالمان مسلمان در حوزه اختلاف حدیث نشان می‌دهد که عوارضی همانند: وضع حدیث (صدر، بی‌تا، ۳۱۴/۱)، نقل به معنا، تقدیم و تأخیر، زیادت و نقصان در حدیث (ابوریه، بی‌تا، ۱۰۸)، تصحیف (عسکری، بی‌تا، ۴۸)، ادراج در بیان، دس و تزویر، از بین رفتن قرائن در نتیجه تقطیع، کثرت غفلت از قرائن و دخالت راوی (صدر، ۱۴۱۷)، رخداد خطا و کذب (حکیم، ۱۴۱۴، ۳/۳۹۶)، شرح و توضیح راوی در ذیل روایت، خلط بین کلام معصوم علیه السلام و غیر معصوم، تلخیص متن و انجام اصلاحات (احسانی‌فرلنگرودی، ۱۴۲۷، ۵۰/۱ - ۶۳) در پیدایش اختلاف حدیث از سوی راویان، ناقلان و ناسخان موثر بوده‌اند. البته شایسته‌ی ذکر است که طبق دیدگاه برخی از صاحب‌نظران معاصر در این فن، اسباب اختلاف حدیث به سه دسته قابل تقسیم‌اند: اختلاف حدیث ناشی از عدم احاطه به مدالیل نصوص شرعی، شیوه‌ی عملکرد امامان علیهم السلام در بیان احکام و اختلاف ناشی از راویان و ناسخان حدیث.

بر پایه‌ی دیدگاه‌های فوق از آنجا که راویان و ناقلان حدیث، تأثیر فراوانی در پیش‌آمد اختلاف نصوص دارند، جا دارد در پژوهشی مستقل به تبیین این نقش پرداخته شود و این نقش از جنبه‌های گوناگون به ویژه جنبه تاریخی مورد واکاوی قرار گیرد. نظر به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر بر آن است که به نقش راویان و ناسخان در اختلاف حدیث در اندیشه‌ی عالمان حدیث‌پژوه به ویژه آنان که به اختلاف حدیث اهتمام داشته و به این نقش پرداخته‌اند، عنایت ورزد و نگاه آن‌ها را از زمان پیدایش علوم حدیث به ویژه علم اختلاف حدیث در این باره جویا شود. این پژوهش با تأکید بر تحقیقات دانشمند معاصر، آیت‌الله سیستانی صورت می‌پذیرد و اندیشه‌های حدیثی ایشان در این باره مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

درک مشکل اختلاف ناشی از نقل، کتابت، روایت و پیرو آن تلاش علمی و عملی برای کاهش آسیب‌های آن به حدیث، به عصر صحابه و تابعان برمی‌گردد. شواهد حدیثی و تاریخی نشانگر آن است که مسئله وضع و جعل حدیث از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تا عصر امامان علیهم السلام و حتی در ادوار پس از ایشان رخ داده است. برخی آورده‌اند که اولین جرعه‌های وضع با فتنه قتل عثمان زده شد و باعث تشتت، شکاف، پیدایش نحله‌های فکری و فرقه‌های مذهبی و به دنبال آن، مشروعیت‌بخشی به انتخابات سیاسی و اعتقادات مذهبی از رهگذر نصوص قرآنی و حدیثی گردید. (عجاج، ۱۴۰۰، ۱۸۸) قابل ذکر است که این سخن با واقعیت‌های تاریخی مبنی بر هم‌زمانی جعل و دس حدیث با صدور آن از پیامبر صلی الله علیه و آله تقارن داشته است. نقش خلفای اموی به‌ویژه معاویه بن ابی سفیان و پس از آنان، خلفای عباسی در این مورد بسیار پر رنگ است (مسجدی، ۱۳۹۰، ۷۴) و در نقطه‌ی مقابل، اهتمام امامان شیعه و اصحاب ایشان به این مسئله و اثبات آن در کلام روایانی همچون: یونس بن عبدالرحمن نمایان است. (بحرانی، بی‌تا، ۱۰/۱)

پس از گسترش احادیث ساختگی و احساس نیاز به مقابله‌ی علمی با آن، محققان چندی به منظور کاستن آثار آن به بحث پیرامون جعل و وضع حدیث در پژوهش‌های خود پرداختند؛ از آن جمله: «الاباطیل» جوزکانی، «الموضوعات» ابن جوزی (درگذشت ۵۹۷ ق)، «الوضع فی الحدیث» (فلاته، ۱۴۰۱ ق)، «الموضوعات فی الأخبار و الآثار» (معروف الحسینی، ۱۴۰۷ ق)، «موسوعه الاحادیث و الآثار الضعیفه و الموضوعه» (حلبی و همکاران، ۱۴۱۹ ق)، «الرسائل العشر فی الاحادیث الموضوعه فی کتب السنه» (حسینی میلانی، ۱۴۲۸ ق)، «الغدیر فی الكتاب و السنه و الأدب» (امینی، ۱۴۳۱ ق)، «الأخبار الدخیله» (شوشتری، درگذشت ۱۳۷۴ ش)، «وضع و نقد حدیث» (مسعودی، ۱۳۸۳ ش)، «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» (علامه عسکری، ۱۳۹۲)، «تأثیر ساختار روایی در تحلیل پدیده‌ی جعل حدیث» (احمدی، ۱۳۹۹)، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۲)، «تحلیل و بررسی دیدگاه ابن‌ابی‌الحدید درباره جعل حدیث در زمان امویان شاخه سفیانی» (کریمی، ۱۳۹۹)، پژوهشنامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۱) و «نگرشی نو به گونه‌شناسی وضع در حوزه‌ی حدیث» (شیرافکن، ۱۳۹۸)، حدیث پژوهی، شماره ۲۲).

## ۳. اختلاف حدیث و نقش روایان و ناسخان در آن

پیش از پرداختن به اسباب اختلاف ناشی از شیوه‌ی عملکرد روایان و ناسخان، شایسته است نگاهی گذرا بر انواع اسباب اختلاف حدیث به اعتبار مرحله‌ای بیفکنیم که این اتفاق در آن رخ داده است. حدیث پژوهان بر این باورند که اختلاف حدیث در تمامی مراحل آن، اعم از «صدور حدیث»، «نقل و روایت» و «نشر و تبلیغ» انجام پذیرفته است و در تمامی این مراحل، نقش روایان در اختلاف حدیث کاملاً قابل ملاحظه است. البته روایان، ناقلان و ناسخان در مرحله وصول و نقل حدیث به دو دلیل، موجب بروز اختلاف در احادیث شده‌اند؛ نخست: «وضع حدیث، کاستی و افزودن نصوص روایی به صورت تعدمی» که منجر به تغییر مدلول نص می‌شود و دیگر: «رخداد اشتباه در نقل و نگارش احادیث». صرف نظر از تعدمی بودن یا غیر تعدمی بودن این اقدام‌ها باید دانست که روایان حدیث، بیشترین نقش را در ایجاد اختلاف بین احادیث داشته‌اند و بسیاری از اختلافات از ناحیه آنان نشأت گرفته است. آیت‌الله سیستانی به دو دسته عامل بیرونی و درونی در شکل‌گیری اختلاف حدیث تصریح می‌کند. بر این پایه خود اهل بیت علیهم السلام به دلیل مصالحی موجب اختلاف حدیث شده‌اند. ایشان در کتاب «الرافد فی علم الاصول» در قالب عوامل درونی و بیرونی چنین اظهار می‌دارد که منظور از اسباب درونی، عواملی است که از سوی اهل بیت علیهم السلام نشأت می‌گیرد و مقصود از عوامل بیرونی، عواملی است که از سوی روات و مدونین شکل گرفته است. (سیستانی، ۱۴۱۴، ۲۶/۱؛ علوی و دیگران، ۱۴۰۱، ۳۳-۵۱) به دیگر سخن می‌توان گفت که این عامل، شخصی است و گاه به دانش اکتسابی راوی و گاه به قواعد فکری و مذهبی محدث مربوط می‌شود. (الزغیر، ۱۴۲۸، ۹۵)

نگارنده در مقالی پیشین در مورد گونه‌های اختلاف حدیث به دلیل عملکرد روایان و ناسخان متذکر گردیده است که منشأ بخشی از عوامل بیرونی اختلاف حدیث، در مرحله تحمل و نقل روایت است که روایان، خواسته یا ناخواسته در به وجود آمدن آن نقش بسزایی داشته‌اند؛ مانند: سوء فهم نصوص شرعی، اختلاف درک و بینش روایان در دریافت خبر، جهل به سبب ورود حدیث و علت آن، تعصب و هوای نفس، توهم در اسناد به معصوم علیه السلام، نقل به معنا و اموری چون: جهل، سهو و نسیان راوی. بخشی دیگر

از آن عوامل به پس از دوران معصوم علیه السلام مربوط است که عمدتاً در حوزه کتابت رخ داده است؛ مانند: تصحیح قیاسی، تشابه در نگارش، تصحیح نوشتاری در هنگام نقل کتبی، جعل، تحریف، تصحیف، ادراج در متن (الزغیر، ۱۴۲۸)، از بین رفتن قرائن حالی و مقالی به ویژه سبب صدور خبر، تقطیع خبر، خلط بین کلام امام و فقیه از سوی روات و تخییر. (علوی و دیگران، ۱۴۰۱، ۳۳-۵۱)

تصرف‌های ناسخان و راویان و عملکرد اختلاف برانگیز آنان به سه رفتار ملازم با عمد و قصد، مجرد از عمد و قصد و مواردی که احتمال عمد و سهو هر دو وجود دارد، تقسیم پذیر است که ذیلاً بررسی می‌شود:

### ۳،۱. عملکرد عامدانه راویان و ناسخان

رفتار اختلاف برانگیز راویان و ناسخان از سر توجه و قصد، شامل گونه‌هایی می‌شود که چه بسا اقسام زیر را بتوان مهم‌ترین آن‌ها دانست:

#### ۳،۱،۱. وضع و جعل حدیث

یکی از گونه‌های شایع اسباب اختلاف حدیث که راویان و ناسخان را به ایجاد اختلاف در حدیث کشانده، وضع احادیث است (به انگیزه‌ی مقابله با دین، نظیر: عملکرد زنادقه و ملاحده، عملکرد کرامیان و متزه‌دان به منظور تشویق مردمان به نیکی و ترهیب ایشان از شرور، عملکرد برخی از متعصبان تحت تأثیر اندیشه‌های اسلامی انحرافی و شیعی غالبانه، مدح و ذم اشخاص و مذاهب و سرانجام، اموری همچون: اصل ملی‌گرایی). تألیف کتاب و نسبت دادن آن به امامان علیهم السلام و یا اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام همچون: کتاب «العلل» تألیف فضل بن شاذان که در «عیون اخبار الرضا علیه السلام» به طور کامل موجود و به امام رضا علیه السلام نسبت داده شده است، نمونه‌ای از انواع حدیث پردازی راویان و ناسخان به حساب می‌آید. (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۸۴)

روایاتی وجود دارد (برقی قمی، ۱۴۱۲، ۳۸/۱) که طبق آن، امامان علیهم السلام از دس ناقلان در احادیث و این که راویان هر چه می‌خواهند به حدیث اضافه می‌کنند، شکایت کرده‌اند. در برخی از نصوص نیز امامان علیهم السلام تصریح فرموده‌اند که در روایاتی دس، ادخال و تزویر اتفاق افتاده است. گواه این امر، روایت یونس است: «هنگامی که کتب اصحاب امام صادق علیه السلام بر امام رضا علیه السلام عرضه گردید، فرمود که در این کتب، دس رخ داده است». این گونه کم و زیاد کردن (إذا عرفت فاعمل ماشئت) در روایت صادره از معصوم علیه السلام مربوط به جعل تعمدی می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۸۰، ۵۶۷/۱)

چنین تغییراتی که توسط ناسخان و راویان در روایت رخ داده است، عوامل متعددی دارد که طبق بررسی‌های محققان عبارتند از: قصور عقلی در فهم حدیث، نقل به معنا، ابتلای راوی در اواخر عمر به خلط و اضطراب حواس، وجود پیش زمینه‌های فکری نزد راوی، عجله در نقل حدیث، سرعت در تألیف کتاب و یا کثرت کار که منجر به اشتباه شده است. صاحب «حدائق» و به دنبال او آیت‌الله خویی در خصوص احادیث «تهذیبین» گفته‌اند که در این دو کتاب، حدیثی نیست جز آنکه در سند یا متن آن اختلال وجود دارد، در حالی که علت آن کثرت کار شیخ بوده است. در مورد کتاب «محاسن» برقی نیز گفته می‌شود که در روایات آن زیادت و نقصان روی داده است. (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۸۵)

#### ۳،۱،۲. افزودن و کاستن از حدیث

چیزی شبیه وضع و اختلاق در حدیث، موضوع نسبت کذب به معصومان علیهم السلام از طریق تحریف حدیث به نحو زیادت یا نقصان در آن به صورت سهوی یا عمدی و به دلائل مختلف توسط برخی از راویان است. متقابلاً امامان علیهم السلام نیز در این باره به صورت کلی یا جزئی به عملکرد پاره‌ای از ایشان، مانند: مغیره بن سعید اشاره فرموده‌اند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۹) علمای متأخر و دانشمندان معاصر در کتب رجال شیعی و اهل سنت به این مسئله اهتمام داشته و احیاناً از این پدیده به «دس» (به گونه‌ای که مشاهده می‌شود که گاه دو چاپ مختلف از یک کتاب در دو کشور و حتی یک کشور با هم متفاوت است) تعبیر کرده‌اند. تاریخ حدیث گزارش می‌کند که یونس از اکابر فقها و متکلمان شیعه به این قضیه توجه داشته و به روش «تحلیل مضمون» در سنجش روایات عمل می‌کرده است. البته این روش را برخی دیگر از اصحاب نمی‌پذیرفتند؛ زیرا مردم از نظر سطح ادراکات متفاوت بوده‌اند. با این وجود، صاحب حدائق در مقام استدلال به این که هر روایتی که در دست ماست، صحیح است، چنین اظهار می‌دارد که علما روایات

را بررسی کرده‌اند و دیگر روایت ضعیفی در عصر ما باقی نمانده است. گویی برای او این گمان ایجاد شده است که تمامی علما از روش تحلیل مضمون تبعیت نموده‌اند که یونس پایه گذاری کرده است. (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۹۱)

### ۳،۱،۳. ادراج در حدیث

ادراج در متن یا سند حدیث به مثابه پدیده‌ای که حکماً موجب ضعف حدیث نمی‌شود (صبحی صالح، ۱۴۲۸، ص ۲۴۴). یکی از عوارضی است که از منظر حدیث‌پژوهان صرفاً در عملکرد راویان مبنی بر قرار دادن سخن خود یا دیگر روایت در متن یا سند حدیث پیش آمده است. ادراج در متن گاهی در آغاز، گاهی در میانه و گاهی در پایان حدیث رخ می‌دهد. ادراج در آغاز و پایان حدیث بیش از ادراج در میانه آن است؛ زیرا راوی سخنی می‌گوید و می‌خواهد با حدیث استدلال نماید ولی آن را بدون فاصله ذکر می‌کند و این توهم ایجاد می‌شود که تمامی آن، متن حدیث است. (سیوطی، ۱۴۱۴، ۱/۳۱۷-۳۲۱) گاهی نیز راوی بعد از نقل حدیث توضیحی می‌دهد ولی نشانه‌گذاری صورت نمی‌گیرد که مشخص کند کلام راوی است یا امام علیه السلام و چنین پنداشته می‌شود که دنباله سخن معصوم علیه السلام است. (شیخ بهایی، ۱۳۹۰، ۵/۱) شاهدی برای وقوع ادراج از منظر شیخ حسین عاملی پدر شیخ بهایی، (۳۹، ج ۱، ص ۱۱۴) در مقدمه کتب «تهدیب» و «استبصار» قابل مشاهده است. او اظهار می‌دارد که در کتاب تهدیب به مواضعی دست یافته است که یقیناً یا به احتمال قوی می‌توان بر آن‌ها حکم به ادراج کرد یا آن‌که در وقوع ادراج در آن‌ها تردید داشت؛ چه این‌که کلام شیخ به طور فراوان با روایت درهم آمیخته شده و سبب آن نیز تمایز قائل نشدن بین حدیث از غیر آن توسط نساخ است. در احادیث تهدیب، سخن شیخ و عبارات «المقنعة» در هم آمیخته شده که پس از بررسی دقیق این امر مشخص می‌شود. در این رابطه مطالب علمی دقیق‌تری نیز موجود است. (رک: سیستانی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۸)

### ۳،۲. عملکرد غیر عامدانه راویان و ناسخان

آن‌سان که از فحوای مطالب پیشین گذشت، راویان و ناسخان، گاه به عمد و گاه از سر سهو موجب اختلاف حدیث شده‌اند. قسم دوم عملکرد راویان، خود شامل گونه‌هایی است که ذیلاً به آن‌ها می‌پردازیم:

#### ۳،۲،۱. نقل به معنا

از نخستین کتاب درایة الحدیث، «المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی» اثر رامهریزی تا مصادر بعدی، همگی از پدیده‌ای در حدیث و روایت آن به نام «نقل به معنی» سخن به میان آورده‌اند. نقل به معنا در اصطلاح اهل حدیث عبارت است از اینکه راوی در مقام روایت به مفهوم سخن معصوم توجه کند و در بیان الفاظ، ملتزم به سخن شنیده شده نباشد. (صدر، ۱۴۱۷/۳۲) در اندیشه‌ی اصحاب امامان علیهم السلام نقل به معنا آن قدر مهم بوده که طبق مصادری چند، این امر مورد سؤال از چند تن از ائمه هدی علیهم السلام قرار گرفته است. در صحیحۀ محمد بن مسلم آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْمَعُ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَأَزِيدُ وَ أُنْقِصُ؟ قَالَ: إِنْ كُنْتُ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَأَبَاسٌ» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ۵۱/۱) طبق دیدگاه اکثر محققان در دانش اصول و علوم حدیث، نقل به معنا اگر در ادای معنای مراد معصوم کافی و وافی باشد، امری جایز است. محقق در مسأله چهارم کتاب معارج می‌گوید: نقل به معنا در خبر جایز است به شرط آنکه روایت منقول المعنی شده از افاده‌ی تمام ظرایف معنای اصلی کم نگذارد؛ زیرا صحابه روایت پیامبر صلی الله علیه وآله را بعد از سپری شدن حیات ایشان و گذشت زمان طولانی روایت می‌کرده‌اند .... و بعید است که الفاظ آن بزرگوار تا آن زمان باقی مانده باشد. (محقق حلی، بی‌تا، ۱۵۳/۱) صاحب «فصول» نیز در این رابطه اظهار می‌دارد: جایز است راوی نقل به معنا نماید و این کار، حجیت خبر را از بین نمی‌برد و در این مورد بین اصحاب ما اختلافی وجود ندارد. (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ۳۰۸/۱)

به عنوان مثالی از نقل به معنای اختلاف‌آفرین در احادیث می‌توان از روایت عصیر انگور یاد کرد که از عبدالله بن سنان به دو گونه روایت شده است: «ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الْعَصِيرَ إِذَا طُبِحَ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثُهُ وَ يَبْقَى ثَلَاثُهُ فَهُوَ حَلَالٌ» و «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ عَصِيرٍ أَصَابَتْهُ النَّارُ فَهُوَ حَرَامٌ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثُهُ وَ يَبْقَى ثَلَاثُهُ». (حر عاملی، ۲۵، ۲۷۷/۱۴۱۶) البته آیت الله سیستانی بر این باور است که چنانچه هر راوی بر اساس فهم خود روایتی را نقل کرده باشد، با توجه به این نکته که راویان در سطح درک،

علم و دقت متفاوت بوده‌اند، بسیاری از ریزه‌کاری‌ها از بین رفته و اختلاف شدید پدید آمده است؛ چه‌این‌که کم‌تر کسی بین راویان یافت می‌شود که در سطح بالایی از شناخت باشد و معاریض و لحن، استعاره، کنایه، حقیقت و مجاز را بدانند؛ براین اساس، ایشان عمده‌ی اختلافات حدیث را ناشی از نقل به معنا بدون توجه به ظرایف سخن می‌داند (سیستانی، ۱۳۹۶).

### ۳،۲،۲. تشابه خطوط

دشواری‌های خط کوفی و سپس تغییر آن به خط نسخ، هم موجب اشتباهاتی در روایات و هم اختلاف در نسخ شده است (محقق حلی، بی‌تا)؛ زیرا تشابه بین حروف عربی در این دو خط زیاد بوده و این شباهت باعث اختلاف در احادیث شده است. نمونه‌ای از این جنس، روایت عبید بن زراره در خصوص مسأله عدول از یک سوره به سوره دیگر در نماز است که در انتهای آن آمده: «..... لَهُ أَنْ يَرْجِعَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَقْرَأَ ثَلَاثِيهَا .....» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۱/۶) ولی کسی از فقها جواز عدول بعد از رسیدن به دو سوم سوره را بیان نکرده بلکه همه امکان عدول از سوره به سوره‌ی دیگر را در نصف قرار داده‌اند. (بروجردی، بی‌تا، ۳۴۹/۱۴) در این میان، آیت‌الله بروجردی باور داشته است که این کلمه در اصل «ثلثها» بوده نه «ثلثیها» اما آیت‌الله سیستانی چنین اظهار داشته که: «ما می‌گوییم با توجه به اقوال فقها ظاهراً این واژه نخست «نصفها» بوده است» (سیستانی، ۱۳۹۶).

### ۳،۲،۳. اختلاط سخن معصوم علیه السلام و غیر معصوم

از جمله رخ داده‌های قابل توجه در این اثنا، آن است که گاه راوی، سخن امام علیه السلام و سخن غیر امام را می‌شنود ولی هر دو را با هم از معصوم علیه السلام روایت می‌کند؛ مانند روایت مرفوعه‌ای که مؤلف «وسائل» ذکر کرده است: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نِعْمَ الْبَيْتُ الْحَمَامُ يُذَكَّرُ النَّارَ وَ يَذْهَبُ بِالذَّرَنِ وَ قَالَ عَمْرُ بْنُ سَأَلِ الْبَيْتُ الْحَمَامُ يُبْدِي الْعَوْرَةَ وَ يَهْتِكُ السُّتْرَ». (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۳۰/۲) در اینجا فرموده امام علیه السلام با برعکس کلام امام که از عمر است خلط شده، به طوری که گویا به امام نسبت داده شده است.

### ۳،۲،۴. تصحیح قیاسی

تصحیح قیاسی عبارت است از گونه‌ای از تصحیح که در متن یا در سند بر اساس نسخ قدیمی و یا خطی مؤلف انجام می‌شود؛ نه از راه حدس و اجتهاد. شیخ حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهایی معتقد است: سهو ناسخ در کتب زیاد اتفاق افتاده همانگونه که در تهذیب صورت گرفته ولی به کمک کتب حدیثی دیگر می‌توان آن را حل کرد. (عاملی، بی‌تا، ۱/۱۱۷) برخی کوشش کرده‌اند تا کتب حدیثی و رجالی را از جهت متن و اسناد به همین روش تصحیح نمایند.

تصحیح قیاسی دارای نتایج سلبی متعددی است که برخی از آن‌ها عبارتند از: تغییر متن کتب، تغییر احوال حدیث از مرسل به مسند، مراجعه به کتب رجالی و افزودن بر اسانید یک کتاب، تصحیح متن یک حدیث بر اساس کتب دیگر در حالی که بین دو کتاب برتری وجود ندارد، ادخال حواشی در متن روایت در نسخه‌های بعد، مانند آنچه در تصحیح کتاب «فهرست» و «قرب الاسناد» رخ داده که طبق گفته‌ی ابن ادریس، او کتاب را بر اساس توانایی خود تصحیح کرده است. طبق یافته اهل تحقیق در کتاب ابن‌ابی‌عمیر نیز تصحیح قیاسی صورت گرفته و در آن اختلال ایجاد شده است. از این کتاب، روایت موثقه ابن بکیر با محتوای عدم جواز نماز بر اجزای حیوانی که گوشتش خورده نمی‌شود، نقل شده است. علما بر این مضطر به اعتماد نموده و به عدم جواز فتوا داده‌اند. (سیستانی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۱)

### ۳،۳. عملکرد اختلاف برانگیز مشترک بین سهو و عمد

برخلاف دو گونه‌ی پیشین که عامدانه بودن یا غیر عامدانه بودن عملکرد راویان و ناسخان در زمینه‌ی پیدایش اختلاف حدیث با نشانه‌های خاص و امارات ویژه معلوم است، مواردی از رفتار اختلاف برانگیز ناسخ و روات وجود دارد که این عملکرد، نشانی از عمد یا سهو در ذات خود ندارد اما به هر حال باعث اختلاف حدیث شده است.

### ۳،۳،۱. تقطیع حدیث

یکی از عملکردهای اختلاف آفرین روایت و نسخا که البته ممکن است به عمد یا به سهو رخ داده باشد، تقطیع است. تقطیع عبارت است از: بریدن پاره‌ای از حدیث و روایت آن بخش توسط راوی (شهید ثانی، ۱۳۶۷؛ عسقلانی، بی‌تا، ۱۵-۱۶) در ادامه به ذکر انواع تقطیع و چگونگی بوجود آمدن اختلاف به وسیله‌ی هریک از آن‌ها می‌پردازیم:

۸

### ۳،۳،۱،۱. تقطیع کلام راوی

گرچه با شنیدن عنوان تقطیع، بریدن و گزینش بخشی از کلام امام به ذهن تبادر می‌کند اما قابل ذکر است که گاهی تقطیع در کلام راوی نیز اتفاق می‌افتد؛ چه اینکه پنداشته می‌شود سخن او تأثیری در حکم معصوم علیه السلام ندارد؛ لذا امکان حذف خصوصیات موجود در کلام راوی وجود دارد. این گونه از تقطیع در حذف سؤالات شخص یا صحابی پرسش کننده و اکتفا به سخن معصوم به گمان این که سؤال راوی از جواب امام علیه السلام قابل فهم است و سؤال مخاطب بر اساس جوّ فقهی حدیث فهمیده می‌شود، رخ داده است؛ مانند صحیح هاشم بن حکم: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فَيَمَنُ صَامَ تِسْعَةً وَعِشْرِينَ، قَالَ: إِنَّ كَانَتْ لَهُ بَيْتُهُ عَادِلَةً عَلَى أَهْلِ مِصْرٍ أَنَّهُمْ صَامُوا ثَلَاثِينَ عَلَى رُؤْبَةٍ، فَصَى يَوْمًا». (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ۴/ ۱۵۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۶، ۲۶۵/۱۰)

در تتبع بیشتر پیرامون این حدیث معلوم می‌شود که پرسش این روایت حذف شده و سؤالی این چنین وجود داشته است: «عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال فیمن صام تسعه و عشرين و یحتمل ان الشهر ثلاثون و لیس تسعه و عشرون؛ فهل یلزم علیه القضا ام لا؟...». (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۹۶)

### ۳،۳،۱،۲. تقطیع کلام معصوم علیه السلام

همانطور که گذشت بیشترین تقطیع در روایات، مربوط به حذف سخن معصوم و انتخاب گزینشی از کلام اوست. این تقطیع ناشی از عواملی همچون استفاده از بخش‌های حدیث در مواضع گوناگون یا تلقی غیر صحیح بودن سخن منسوب به امام علیه السلام و صادر نبودن چنین سخنی از معصوم علیه السلام رخ داده است. نمونه‌ای از این دست، حذف برخی از جمله‌های روایات کتاب «علل الشرایع» است که این روایات در عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز نقل شده اما شیخ صدوق به اعتقاد این که برخی از جملات صحیح نیست، آن‌ها را در کتاب عیون نیآورده است. این احتمال وجود دارد که در کتاب «الفقیه» نیز این گونه حذف اتفاق افتاده باشد.

همچنین گاه راوی فقه آشنا فقط قسمتی از یک روایت را که موضع حاجت او بوده است، نقل می‌کند و بقیه اجزای روایت را که نیازی به آن نیست، نمی‌آورد. مثلاً در کتاب «استبصار» که هدف تألیف آن جمع بین اخبار متعارض است، فقط قسمت محل اختلاف ذکر شده است. نیز گاهی ناقل می‌پندارد که بین دو جمله‌ی یک روایت ربطی وجود ندارد؛ لذا تقطیع در کلام معصوم علیه السلام رخ می‌دهد. در «تهذیب الاحکام» از زراره نقل می‌شود: «قَالَ قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ مَا كَانَ تَحْتَ الشَّعْرِ؟ قَالَ: كُلُّ مَا أَحَاطَ بِهِ الشَّعْرُ فَلَيْسَ لِلْعِبَادِ أَنْ يَغْسِلُوهُ وَ لَا يَبْحَثُوا عَنْهُ وَ لَكِنْ يُجْرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ». (شیخ طوسی ۱۳۶۵، ۱/ ۳۶۴) برخی بر اساس این روایت حکم کرده‌اند که لازم نیست زیر مو در غسل شسته شود برخلاف وضو که این محل باید شسته شود؛ زیرا کلمه «وضو» در روایت ذکر نشده است ولی با مراجعه به «من لایحضره الفقیه» درمی‌یابیم که کلام در مورد وضو است (شیخ صدوق ۱۳۱۳، ۱/ ۴۵) و سرانجام این که گاهی قسمتی از روایت به گمان این که موضوعش از عنوان باب شناخته می‌شود، حذف شده است؛ مانند روایتی در مورد حیض که چون در باب عده متعه آمده پس منظور عده متعه خواهد بود نه هر حیضی (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۹۴).

### ۳،۳،۲. عدم آگاهی کافی از زبان و ادب عرب

شکی نیست که شارع مقدس در مقام نشر احکام خود در کتاب و سنت، همان روشی را که عرب در کلام خود بکار برده، دنبال نموده است تا جایی که در صدر اسلام چنانچه شخصی می‌خواست از منظور خود با تعبیری صریح پرده بردارد، متهم به ناتوانی در

مهارت زبانی می‌گردید؛ زیرا رسایی سخن نزد ایشان، مهارت رساندن مفهوم واحد با تعبیرات گوناگون محسوب می‌شد؛ تعبیراتی که در رساندن صریح یا غیر صریح مقصود، متفاوت بوده است.

در پرتو این قانون زبانی، قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام حتی در مسائل عقیدتی شکل گرفت و لذا ملاحظه می‌شود که آیات قرآنی از مسائل عقیدتی با تعبیرات مجازی یاد کرده است: «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» [فتح: ۱۰] و «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» [طه: ۵].

باور این روش به دو دلیل، منجر به ناکامی در عرصه استنباط و توهم اختلاف در ظواهر شده است؛ نخست: این که زبان عربی زبانی است که به روان بودن متمایز است؛ به گونه‌ای که برای یک مضمون واحد، امکان آوردن تعابیر گوناگون وجود دارد که گاه از برخی از این تعابیر، معنایی اراده می‌شود که با ظاهر جمله مطابقت ندارد؛ مانند آنچه در حذف، مجاز، کنایه و استعاره مشاهده می‌کنیم. شایسته ذکر است که مقصود از مجازات گرچه در زمان صدور خود دارای وضوح بوده است اما در طول زمان طبیعتاً قابل تأویل به غیر مقصود نخستین خوداند و لذا کلام از معنای خود به دلایلی تحریف می‌شود آنگونه که خداوند متعال از این مقوله یاد کرده است: «... يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ...» [مائده: ۴۱].

دیگر: این که زبان عربی کاملاً قانونی نیست؛ چه این که اگر در اطراف این زبان تأمل شود، دیده می‌شود که این زبان در مواردی که جوامع ابتدایی با آن سروکار دارند، جداً باز است؛ لذا فراوانی الفاظ حاکی از مفهوم واحد، به دلیل نیاز عرب به آن الفاظ در مقام استعاره و تجوز قابل مشاهده است. این قاعده را در واژگان رساننده مفهوم «شیر» و «شتر» به وضوح می‌توان مشاهده کرد و کتاب‌هایی در این باره به تحریر درآمده است. درجایی که در زمینه اصطلاحات قانونی، غنایی برای واژگان این حوزه قابل مشاهده نیست و چه بسا دلیل آن دورافتادگی جوامع عربی از فضای مدنی پیشرفته است. (رک: سیستانی، ۱۳۹۶، ۷۳-۷۷)

کوتاه سخن این که فقر زبان عربی در واژگان قانونی از یک سو و مجبور بودن شارع مقدس به طرح احکامی این چنین از رهگذر زبان آمرانه و ناهیهانه منجر به تشابه مضامین و اختلاف احکام و به تبع آن اختلاف احادیث شده است.

بنابراین قانونگذاری با وضع اصطلاحات جدید در مدت زمان کم با توجه به اذهان بدوی مشکل می‌نمود و این امر، تشابه در معانی و توهم اختلاف در فهم و استنباط را پدید آورد. از این نکته نیز نمی‌توان چشم پوشید که کمبود اصطلاحات مربوط به قانون شرعی در زبان عربی، شارع مقدس را بر آن داشت که احکام قانونی را از راه زبان موالی که تعلیم و تفقه نزد آنان بیشتر از اعراب بود، بیان نماید. این مطلب در این گزاره نمود یافته است که شارع مقدس برای احکام تکلیفی صیغه امر را بکار برده «... أَقِيمُوا الصَّلَاةَ...» [بقره: ۴۳] و برای احکام وضعی نیز از همان استفاده کرده «(عَسَلُ تَوْبِكَ مِنْ أَبْوَالِ مَا لَا يُؤْكَلُ لِحْمُهُ» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ۳/۴۰۵) و لذا باعث اشتباه بین حکم ارشادی و حکم مولوی شده است. نتیجه این که عدم توجه به قواعد زبان عربی و زبان قانون گذاری از سوی روایان و ناسخان منجر به تشابه مضامین و اختلاف در حدیث گردیده است.

### ۳،۳،۳. اختلاف در مصطلحات

گاه اختلاف در احادیث، از اختلاف مفاهیم مصطلحات در عصر ما و کاربست آن در زمان معصوم علیه السلام نشأت می‌گیرد. مانند اصطلاح «حرام» که در عصر ما به هر آنچه «منهی عنه» است و هیچ ترخیصی در ترک آن وجود ندارد، اطلاق می‌شود اما در زمان امام علیه السلام شامل «منهی عنه» و غیر آن (مکروه) بوده است. در این صورت، چنانچه با دو روایت مواجه شویم که در یکی از آن دو موضوعی حرام معرفی شده باشد و در عین حال، در دیگر روایت در مورد آن ترخیص صورت گرفته شده باشد، از آن دو روایت، اختلاف حدیث تلقی می‌کنیم؛ در جایی که این امر ناشی از الفت ذهن ما به مفهوم اصطلاح حرام در عصر کنونی است. در مورد کلمه «حلال» نیز مطلب به همین صورت است. (سیستانی، ۱۳۹۶، ۱۹۶)

### ۴. نتیجه گیری

۱. تحلیل مضمون روایات، روشی استوار جهت اعتبارسنجی آن‌ها بوده و اندیشوران حوزه حدیث و علوم اسلامی به آن توجه ویژه داشته‌اند. آیت الله سیستانی معتقد است پندار این که هرآنچه از روایات در دست ماست صحیح بوده و نیازمند تفحص نیست،

عقیده نامناسبی است. تصحیح قیاسی روایات نمی‌تواند اسناد آن را برگرداند ولی در متن می‌تواند جهت حل اختلاف روایات راهگشا باشد.

۲. بخشی از اختلاف حدیث ناشی از رفتار ناسخان و راویان در مرحله‌ی نشر و تبلیغ و بخشی دیگر مربوط به مرحله‌ی نقل و روایت است. تصرف‌های ناسخان و راویان و عملکرد اختلاف‌برانگیز آنان در این مجال به سه رفتار: ملازم با عمد و قصد، مجرد از عمد و قصد و مواردی که در آن احتمال عمد و سهو هر دو وجود دارد، تقسیم‌پذیر است.

۳. ادراج در متن یا سند حدیث به مثابه پدیده‌ای که حکماً موجب ضعف حدیث نمی‌شود، یکی از عوارضی است که از منظر حدیث‌پژوهان صرفاً برای عملکرد راویان هنگام قرار دادن سخن خود یا دیگر روات در متن یا سند حدیث پیش آمده است؛ ادراج در متن، گاهی در آغاز و گاهی در میانه و گاهی در پایان حدیث رخ داده است.

۴. چنانچه هر راوی بر اساس فهم خود روایتی را نقل کرده باشد، بسیاری از ریزه‌کاری‌ها با توجه به این نکته که راویان در سطح درک، علم و دقت متفاوت بوده‌اند، از بین رفته است؛ چه این که کم‌تر کسی بین راویان یافت می‌شود که در سطح بالایی از شناخت باشد و معاریض و لحن، استعاره، کنایه، حقیقت و مجاز را بداند.

۵. نقل به معنا، دس و ادخال، حذف جملات از احادیث، موجب خلل و اختلاف در روایات شده، همچنین فقر زبان عربی در وضع اصطلاحات قانونی و الزام شرع مقدس برای بیان احکام و قوانین و استفاده از مجاز، باعث تشابه مضامین و اختلاف در احکام گردیده است.

۶. عدم توجه به وضع اصطلاحات قانونی نو، بهره‌گیری از زبان موالی در روایات و تفاوت معنایی اصطلاحات، منجر به تشابه مضامین و اختلاف بین احکام و عدم تشخیص حکم ارشادی و حکم مولوی شده است و البته بررسی تاریخ ادبیات و زبان عرب در تسهیل شناخت اختلاف روایات راهگشا خواهد بود.

۷. شایسته است که فقیه در نصوص و اختلاف نسخ، احوال مؤلفان کتب، تصحیح قیاسی، تقطیع و نقل به معنا خیره باشد؛ زیرا اصل عدم اشتباه در نزد عقلا جایگاه ندارد.

## ۵. منابع

قرآن کریم.

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین؛ **کفایة الاصول**، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، (۱۴۳۱).
۲. ابن اثیر، ابوالحسن؛ **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار بیروت و دار صادر، (۱۳۸۵).
۳. ابوریه، محمود؛ **اضواء علی السنه المحمدیه**، (?)، نشر بطحاء، (?).
۴. احسانی فر لنگرودی، محمود؛ **اسباب اختلاف الحدیث**، قم، دارالحدیث، (۱۴۲۷).
۵. احمدی، محمدحسن؛ «تأثیر ساختار روایی در تحلیل پدیده «جعل حدیث»»، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱۲، (۱۳۹۹).
۶. اسلامی، رضا؛ مددی، سیداحمد؛ «درآمدی بر نقد متن حدیث»، کاوشی نو در فقه، سال بیستم، شماره ۳، (۱۳۹۲).
۷. امام خمینی (مصطفوی)، سید روح‌الله؛ **شرح چهل حدیث**، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (۱۳۸۰).
۸. بحرانی، یوسف؛ **الحدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهره**، محقق: محمدتقی ایروانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، (?).
۹. برقی قمی، سید ابوالفضل؛ **عرض اخبار الاصول علی القرآن و العقول**، (?)، العبیکان، (۱۴۱۲).
۱۰. بروجردی، مرتضی؛ **المستند فی شرح العروه الوثقی** (ج ۱۴ موسوعه الإمام الخوئی، سید ابوالقاسم خویی)، (?)، مؤسسه خوئی الاسلامیه، (?).
۱۱. حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم؛ **الفصول الغرویة فی الاصول الفقهیة**، قم، دار احیاءالعلوم الإسلامیه، (۱۴۰۴).
۱۲. حر عاملی، محمدبن حسن؛ **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، تهران، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاءالتراث، (۱۴۱۶).
۱۳. حرانی، ابن شعبه؛ **تحف العقول عن آل الرسول (ص)**، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، نشر الاسلامی، (۱۳۶۳).
۱۴. حکیم، سید محمدسعید؛ **المحکم فی اصول الفقه**، قم، مؤسسه المنار، (۱۴۱۴).

۱۵. حلی، محمد بن احمد بن ادريس؛ **مستطرفات السرائر**، نسخه دیجیتالی مکتبه الشيعية، (۱۴۱۱).
۱۶. دلبری حسینی، سید علی؛ «**آسیب شناسی فهم روایات (تعارض؛ علل و عوامل آن)**»، مجله هیات و حقوق، شماره ۱۱، (۱۳۸۳).
۱۷. الزغیر، لطفی بن محمد؛ **التعارض فی الحدیث**، ریاض، مکتبه العبيکان، (۱۴۲۸).
۱۸. سرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل؛ **المبسوط**، بیروت، دار المعرفة، (۱۴۱۴ق).
۱۹. سیستانی، سید علی؛ **اختلاف الحدیث**، (؟)، (؟)، (؟)، (۱۳۹۶).
۲۰. -----؛ **الرافد فی علم الاصول**، قم، مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی، (۱۴۱۴ق).
۲۱. -----؛ **تعارض الأدلة و اختلاف الحدیث**، (؟)، (؟)، (؟).
۲۲. **سیوطی**، جلال الدین؛ **تدریب الراوی**، ریاض، مکتبه الکوثر، (۱۴۱۴).
۲۳. شهیدثانی، زین الدین؛ **الرعاية فی علم الدراية**، محقق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، (۱۳۶۷).
۲۴. -----؛ **شرح البداية فی علم الدراية**، (؟)، (؟)، (؟).
۲۵. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین؛ **فرائد الاصول**، قم: مجمع الفکر الاسلامی، (۱۴۱۹).
۲۶. شیخ بهایی (عاملی)، بهاء الدین محمد بن حسین؛ **الوجيزة فی علم الدراية**، قم، بصیرتی، (۱۳۹۰ق).
۲۷. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی؛ **الخصال**، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، منشورات جامعه المدرسين فی حوزه العلمية، (۱۴۰۳).
۲۸. -----؛ **علل الشرايع**، نجف، مکتبه الحیدریه، (؟).
۲۹. -----؛ **معانی الأخبار**، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر، (؟).
۳۰. -----؛ **من لا یحضره الفقيه**، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، (۱۴۱۳).
۳۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن؛ **اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشي**، مصحح: حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، (۱۴۰۹).
۳۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن؛ **تهذیب الاحکام**، محقق: حسن خراسان، تهران، دارالکتب العلمیه، (۱۳۶۵).
۳۳. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافي**، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، (۱۴۰۷).
۳۴. شیرافکن، محمد حسین؛ «**نگرشی نو به گونه شناسی وضع در حوزه حدیث**»، حدیث پژوهی، سال یازدهم، پاییز و زمستان، شماره ۲۲، (۱۳۹۸).
۳۵. صبحی ابراهیم صالح؛ **علوم الحدیث**، قم، ذوی القربی، (۱۴۲۸).
۳۶. صدر، سید حسن؛ **بحوث فی علم الاصول**، مقرر: محمود هاشمی شاهرودی، قم، الغدير للدراسات الاسلامیه، (۱۴۱۷).
۳۷. صدر، سید حسن؛ **نهاية الدراية**، مصحح: ماجد الغرابوی، (؟)، (؟)، نشر المشعر، (؟).
۳۸. عاملی، حسین بن عبدالصمد؛ **وصول الأخبار إلى أصول الأخبار**، محقق: عبداللطیف کوه کمره ای، قم، مجمع الذخائر الإسلامیه، (؟).
۳۹. عجاج خطیب، محمد؛ **السنة قبل التدوين**، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، (۱۴۰۰).
۴۰. عسقلانی، ابن حجر؛ **مقدمة فتح الباری** بشرح صحیح البخاری، (؟)، مکتبه السلفیه، (؟).
۴۱. عسکری، ابواحمد؛ **تصحیفات المحدثین**، نسخه دیجیتالی کتابخانه مدرسه فقاہت.
۴۲. عسکری، سید مرتضی؛ **یکصد و پنجاه صحابی ساختگی**، مترجم: عطاء محمد سردارنیا، قم، انتشارات علامه عسکری، (۱۳۹۲).
۴۳. علوی، عبیر؛ منصور، سعید؛ ایازی، سید محمد علی؛ میردامادی، سید مجتبی؛ «**بازشناسی اسباب علمی و اجتماعی اختلاف روایات با تأکید بر نوآوری های آیت الله سیستانی**»، مطالعات فهم حدیث، دوره ۸، ش ۲، پیاپی ۱۶، (۱۴۰۱).

۴۴. کریمی، محسن؛ «تحلیل و بررسی دیدگاه ابن ابی الحدید درباره جعل حدیث در زمان امویان شاخه سفیانی»، پژوهشنامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۱، پیاپی ۲۱، (۱۳۹۹).
۴۵. مامقانی، عبدالله؛ **مقباس الهدایة**، قم، دلیل ما، (۱۳۸۵).
۴۶. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن؛ **معارج الأصول**، محقق: محمدحسین رضوی، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، (?).
۴۷. مددی، سیداحمد؛ **نگاهی به دریا**، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، (۱۳۹۳).
۴۸. مسجدی، حیدر؛ **التصحیف فی متن الحدیث** (جذوره، آثاره، مایکشف عنه، علاجه)، قم دارالحدیث، (۱۳۹۰).
۴۹. مسعودی، عبدالهادی؛ **وضع و نقد حدیث**، سمت، تهران، (۱۳۸۹).